

معرفی فرمان صادر شده از سوی فتحعلی شاه قاجار به حاکم وقت زنجان عبدالله میرزا

پرستو قاسمی اندرود

این سند تاریخی با مرکبی مشککی بر روی کاغذ آبی رنگ در ابعاد ۴۱×۳۲ سانتی متر با خط شکسته نستعلیق از طرف فتحعلی شاه قاجار به حاکم وقت زنجان عبدالله میرزا^۱ به تاریخ ۱۲۳۹ ه.ق (۱۸۷۰ سال پیش) درخصوص واگذاری قریه‌ی کوسه‌لر از بلوک ایچرود به حسینقلی خان به پاداش «خدمات شایسته» اش صادر شده است. «کوسه‌لر Kusahlar قریه‌ای از دهستان بخش مرکزی شهرستان زنجان با طول جغرافیایی ۴۷°۲۲' [و] عرض جغرافیایی ۳۶°۳۰' ارتفاع از سطح دریا ۱۹۷۰ متر می‌باشد. این روستا در ۲۵ کیلومتری جنوب باختری زنجان، که رودخانه قزل اوزن دره که از کوه قراول سرچشمه می‌گیرد، از میان آبادی می‌گذرد. جمعیت آن ۶۰ خانوار، دین آنها اسلام و به زبان ترکی صحبت می‌کنند...»^۲

این سند ارزشمند، که اطلاعاتی از اوضاع و احوال عهد قاجاریه در اختیار ما قرار می‌دهد، از اسناد دیوانی و مالی دوران سلطنت فتحعلی شاه می‌باشد. «در فرمانهای دوره قاجاریه، مهر و طغرای پادشاه در بالای صفحه نقش می‌بست و پشت فرمان به وسیله اشخاصی چون مستوفی‌الممالک، صدراعظم و مقامات درباری دیگر مهر و امضا می‌شد. معمولاً در فرمانهای این دوره در قسمت سرلوحه فرمان

۱. عبدالله میرزا متخلص به دارا پسر یازدهم فتحعلی‌شاه قاجار در سال ۱۲۱۱ هجری قمری متولد و در سال ۱۲۲۴ ه.ق در سن ۱۳ سالگی به حکومت زنجان منصوب شد. وی در سال ۱۲۳۷ ه.ق که فتحعلی‌شاه قصد تسخیر بغداد و شهر زور را داشت با سواران خمسه در این نبرد شرکت کرد که توفیقی نیافت. در جنگ دوم ایران و روس، عبدالله میرزا با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و از نفوذ بیشتر ارتش روس جلوگیری کرد. در سال ۱۲۶۶ ه.ق از حکومت زنجان کناره‌گیری کرد.

۲. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، زنجان، جلد ۲۵.

عبارت بسم الله تعالی شانه العزیز دیده می شود و در زیر این عبارت مهر فتحعلی شاه نهاده می شد که متن آن به صورت «العزلة» و عبارت شعری:

«گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی» بوده است طغرای فرمان که با آب طلا در ابتدای سطر اول متن سند نوشته می شد چنین است: «الملك لله تعالی حکم همایون شد»

در متن اسناد دوره قاجاریه مشاغلی چون «الشکر نویس» و «شریک الکتاب»، «مباشر امور ایالات»، «سررشته داران»، «مستوفی دیوان»، «دفتر نویس» و مانند آن آمده که از یک تشکیلات اداری جهت صدور احکام و ثبت و ضبط آنها خصوصاً در امور سپاهی و مالیاتی حکایت می کند.

در پشت هریک از اسناد این دوره مهرها و امضاهای متعددی از مسئولان امر دال بر تأیید و تسجیل سند و تضمین صحت آن با عباراتی حاکی از تصدیق و ملاحظه و ثبت به چشم می خورد که بدون این تشریفات اداری مفاد اسناد رسمیت نمی یافت.^۳

متن سند بدین شرح است:

بسم الله تعالی شأنه العزیز

[سجع مهر فتحعلی شاه] العزلة

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

الملك لله تعالی حکم همایون شد که فروزان کوب سپهر خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهد سلطنت و جهانداری، فرزند ارجمند مسعود، عبدالله میرزا صاحب اختیار ولایات خمسه به عنایات و توجهات خاطر خطیر شاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بدانند که چون قریه کوسه لر واقع در بلوک هجرود از قراری که معروض رأی ملک آرا افتاد ملکی عالیجاه رفیع جایگاه اخلاص و ارادت آگاه محمد قلیخان افشار بوده است و نواب همایون ما به مقتضای مراسم بیکران و مکارم پیشینیان خسروانه درباره عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه نتیجه الخوانین حسینقلی خان و ظهور خدمات شایسته که از او مشهود نظر التفات گستر شاهانه گشته، قریه مزبوره را به مشارالیه واگذاشتیم که متصرف بوده [ناخوانا] و زراعت آن پرداخته محصول و منافع آن را صرف معاش خود ساخته به مراسم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید. و از جمله مالیات و

۳. احسان اشرافی، بررسیهای تاریخی، ش ۴، س ۷.

متوجهات دیوانی قریه مزبوره، که در دیوان عالی ابواب جمع می‌باشد، مقدار دوازده خروار به تخفیف و تصدق مقرر داشتیم که دیوانیان از حشو جمع آنها موضوع و مستثنی دارد و مبلغ شش تومان و هفت هزار و دویست دینار تبریزی از بابت [یونجه؟] و مقدار [سی خروار] از بابت بیست من غله تنمه که به رسم خراج بایست به سرکار دیوان کارسازی نمایند. آن فرزند به مباشرین ولایات خمره قدغن نماید که هر ساله از عالیجاه مشارالیه بازیافت و کارسازی وجه نماید بران به رسم منال و مطلق صادرات و عوارضات و سایر اطلاعات به هیچ وجه و هیچ اسم و رسم مطالبه و بازیافت نمایند از تاریخ صدور توفیق همایون قریه مزبوره را قدغن نماید که متصرف عالیجاه مشارالیه واگذارند و احدی دخل و تصرف در آن نکرده تخلف از قرارداد اشرف ننمایند. مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان عزت و سعادت همراهان مقرب الخاقانان مستوفیان عظام و سررشته داران گرام شرح منشور همایون را ثبت دفاتر مبارکه نموده به مقتضای آن عمل نمایند؛ و قریه مزبوره را به تصرف عالیجاه مشارالیه مقرر داشته به تمامی حکم همایون عمل نمایند؛ و تخفیفی که مرحمت فرموده‌ایم سجع محسوب و ممضی داشته حسب المقرر معمول و از مدلول حکم اشرف تخلف و عدول جایز نداشته و در عهده شناسند.

۲۴۱

تحریراً فی شهر شعبان سنه ۱۲۳۹

[حاشیه:]

مقرر آنکه مقدار دوازده خروار جنس که تخفیف به عالیجاه حسینقلی خان از بابت قریه مذکوره داده‌ایم مقدار مذکور به خرج سیورسات ابوالجمعی آن فرزند محسوب و مجزی خواهد شد که آن فرزند مقدار مذکور را از قریه مزبوره به تخفیف عالیجاه مشارالیه مقرر دارد و مطالبه از مشارالیه ننماید و علاوه بر دوازده خروار را از او مطالبه و بازیافت ننموده و در عهده شناسد. تحریراً فی شهر [مذکور]

[ظهر سند:]

مهر چهارگوش به سجع: لاله الاالله الملك الحق المبین عبده [عبدالله]

" " " " : عبدالوهاب الموسوی

" " " " : عبده الراجی فریدون [گوشه‌های مهر]: یا علی، یا حی یا قیوم یا وکیل

" " " " : لاله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد [زکی]

" " " " : افوض امری الی الله عبده محمد علی

مہر چہارگوش بہ سجج: لالہ الالہ الملک الحق المبین عبدہ فضل اللہ

" " " " : لالہ الالہ الملک الحق المبین محمد علی

" " " " : [ناخوانا]

" " " " : لالہ الالہ الملک الحق المبین عبدہ ید اللہ

" " " " : [ناخوانا]

" " " " : حسبی اللہ و کفایہ عبدہ موسیٰ

" " " " : افوض امری الی اللہ محمد صادق

مہر گلابی بہ سجج: صحیح [ناخوانا]

" " " " : صحیح محمد [علی]





